

جنبش سمائول آندونگ: تسهیل توسعه یا توسعه عمودی

محمد باقر کمالی*

چکیده

جنبش سمائول آندونگ که در دهه ۱۹۷۰ شروع شد یکی از موفق‌ترین تجربیات توسعه روستایی جهان است که به خوبی توانسته است مشارکت فعال روستاییان را تسهیل و بسترسازی نماید. این جنبش از طریق انتخاب رهبران سمائول روستایی توسط مردم تعامل مناسبی بین کارگزاران دولتی و روستاییان ایجاد کرده است. محور این جنبش تغییر نگرش و آموزش کاربردی بوده است، ولی این امر فقط به روستاییان محدود نشده بلکه هم‌زمان مدیران و کارگزاران را هم دربرگرفته است. تجربه جنبش سمائول آندونگ یک برنامه توسعه بالاب‌پایین و پایین‌به‌بالاست که در آن مردم و دولت به زبانی مشترک رسیده‌اند. این جنبش با پروژه‌های نمونه کوچک و محدود و مطالعه آنها برای تعمیم شروع شد. در واقع، جنبش سمائول بر مبنای پژوهشی عمل‌نگر استوار است — یعنی عمل — مطالعه — عمل. در این فرآیند توسعه، تمامی ذی‌ربطان به‌صورت فعال و پویا در تولید دانش و اجراء مشارکت داشته‌اند؛ مهم‌تر اینکه مشارکت به مردان محدود نبوده و هم‌زمان زنان نیز فعالانه در روند جنبش مشارکت داشته‌اند. گرچه جنبش سمائول از تجربیات کشورهای دیگر استفاده می‌کند اما سعی شده است که فرهنگ بومی کره جنوبی همچنان بستر توسعه باقی بماند. در نهایت مردم با این جنبش به خودباوری و نگرش «خود ما قادر به انجام آن هستیم» رسیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سمائول آندونگ / توسعه اقتصادی / توسعه اجتماعی / توسعه عمودی / کره جنوبی.

* دکترای آموزش بزرگسالان برای توسعه روستایی

مقدمه

شبه جزیره کره با قدمتی ۳۰۰۰ ساله از فرهنگی غنی و اصیل برخوردار است. این شبه جزیره در شرق آسیا واقع است و از جنوب به اقیانوس آرام، از شرق به دریای ژاپن، از غرب به دریای زرد و از شمال به ایالت منچوری چین و سیبری شوروی محدود می‌شود. مساحت این شبه جزیره ۲۲۰۸۹۱ کیلومتر مربع است که ۹۸۹۶۶ کیلومتر مربع آن متعلق به کره جنوبی است و حدود ۷۰ درصد آن را مناطق کوهستانی تشکیل می‌دهد. این کشور ۴۳/۹ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت کره^(۱) جمعیتی جوان است؛ افراد زیر ۲۵ سال در سال ۱۹۸۵ حدود ۵۵/۷ درصد جمعیت و در سال ۱۹۹۰ حدود ۴۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند.

کره از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۵ تحت سلطه ژاپن بود و پس از پایان این دوره تا مدتی با کشمکش‌های داخلی مواجه گردید، تا اینکه در ۱۵ اوت ۱۹۴۸ استقلال یافت. در سال ۱۹۵۰ جنگ دو کره شروع شد و به مدت ۳ سال ادامه یافت.

در این جنگ خسارات و صدمات زیادی به کشور کره جنوبی وارد آمد به طوری که در خلال آن یک میلیون نفر جان خود را از دست دادند. در نتیجه این جنگ، شبه جزیره کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم گردید. پس از پایان جنگ درگیری احزاب بر سر قدرت ادامه یافت و چندین رئیس جمهور به قدرت رسیدند. اوضاع همچنان ناآرام بود تا اینکه در سال ۱۹۶۱ میلادی ژنرال پارک چونگ با کودتایی بدون خونریزی به قدرت رسید و به اوضاع نابسامان کشور سر و سامان داد. او بر خلاف بیشتر دیکتاتورها، رشد اقتصادی کره را در رأس برنامه‌های کشور قرار داد^(۲).

زبان رسمی مردم کره هانگول^(۳) است که با زبان چینی و ژاپنی متفاوت است. زبان انگلیسی در میان اکثر مردم رایج است. طبق قانون اساسی، آزادی دین، حق قانونی کلیه شهروندان محسوب می‌شود و بودیسم، آیین کنفوسیوس، مسیحیت، اسلام، چوندوکیو و شامانیسم از ادیان رایج کشور به‌شمار می‌روند.

کشور کره با اتخاذ راهبردهای مناسب توسعه و گسترش صادرات به «معجزه دوم» معروف شده است. سیاست‌ها و راهبردهای توسعه در کره از دیدگاه‌های مختلف

مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و مطالعه آن برای بقیه کشورهای در حال توسعه چه بسا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. کشوری که تا قبل از دهه ۱۹۷۰ در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار وخیمی قرار داشت، در خلال دو دهه از کشوری جهان سومی به کشوری صنعتی ارتقاء یافت.

البته برخی با دید انتقادی به بررسی توسعه اقتصادی کره می‌پردازند و نتیجه‌گیری می‌کنند که اقتصاد کره به غرب وابسته است و بدون کمک‌های آمریکا این کشور قادر به پیشرفت نبود. البته این انتقادات را نمی‌توان یکجا رد یا تأیید کرد، زیرا حقایق در آن نهفته است. باید این نکته را مدنظر داشت که هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که از نظر اقتصادی به غرب یا شرق وابسته نباشد. از طرف دیگر، کره جنوبی با اتخاذ سیاست‌های جدید اقتصادی، در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر، وابستگی به خارج را کاهش داده، زیرا توانسته است با صنعتی کردن کشور، علاوه بر افزایش صادرات، بیشتر نیازهای داخلی خود را تأمین نماید^(۴).

توسعه روستایی و تعادل آن با توسعه شهری در کشور کره قابل تأمل است. محیط زندگی روستایی تا سال ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که حدود ۸۰٪ از مجموع ۳۳۰۰۰ روستای کره، یعنی ۲/۵ میلیون خانوار روستایی، زیر سقف پوشال برنج زندگی می‌کردند و فقط ۲۰٪ خانواده‌های روستایی برق داشتند، تا جایی که زندگی در این زمان را «زندگی با چراغ نفتی زیر سقف پوشال‌های برنج» نامیده‌اند^(۵).

در بحث توسعه کره مهم‌ترین موضوع، تعادل‌بخشی کشاورزی و صنعت است، جنبش سمانول آندونگ به عنوان برنامه توسعه روستایی جامع و بررسی نتایج و آثار آن بر زندگی روستاییان کره محور اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. به جرأت می‌توان گفت که کره از طریق این جنبش قادر شد با فقر دیرینه خود مبارزه کند و روستاییان توانستند در مدت کوتاهی به سطح نسبتاً بالایی از رونق اقتصادی و بهره‌مندی از زیرساخت‌های مناسب نائل گردند.

جنبش سمائول آندونگ

همچنان که گفته شد، کره جنوبی تا قبل از دهه ۱۹۶۰ اوضاع کاملاً نابسامانی داشت و کشور با فقر و بدبختی دست به گریبان بود. وابستگی به کمک‌های خارجی به حد اعلای رسیده و بی‌ثباتی سیاسی بخش‌های مختلف اقتصادی را با رکود مواجه کرده بود، تا اینکه در سال ۱۹۶۱ میلادی ژنرال چونگ پارک با کودتا بر مصدر قدرت نشست. بر خلاف بیشتر دیکتاتورها، او توسعه اقتصادی کره را محور برنامه‌های خود قرار داد.

کره جنوبی در این زمان با وجود خاطره تلخ دوران سلطه و استثمار ژاپن، به جای دامن زدن به احساس دشمنی و نفاق بین دو ملت و ادامه جنگ لفظی، راه همکاری و دوستی با ژاپن را در پیش گرفت و به خوبی توانست از تجربیات ژاپنی‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی بهره‌مند گردد. چنان که پس از گذشت دو دهه توانست وابستگی قبلی خود به ژاپن را به رقابت با این کشور تبدیل نماید. درست همان طور که ژاپنی‌ها پس از جنگ با آمریکا، در بسیاری از موارد به تقلید از دشمن خود پرداختند و اکنون بزرگ‌ترین رقیب تجاری آن محسوب می‌شوند.^(۶)

در دهه ۱۹۶۰، با رشد بخش صنعتی صادرات-محور، استانداردهای زندگی شهری خیلی سریع‌تر از بخش روستایی بهبود یافت. در آن زمان دائماً زندگی مدرن شهری با زندگی روستایی پیش‌مدرن مقایسه می‌شد. چنانکه از اواسط دهه ۱۹۶۰، شکاف بین شهر و روستا به موضوعی جدید در مباحث عمومی روشنفکران تبدیل شده بود.^(۷)

برنامه توسعه اقتصادی پنج ساله اول با محوریت رشد اقتصادی، صادرات و توسعه صنایع سنگین از سال ۱۹۶۲ شروع شد. آثار این برنامه به تدریج از سال ۱۹۶۷ مشخص‌تر گردید. درآمد سرانه از ۸۵ دلار در سال ۱۹۶۰ به ۲۵۷ دلار در سال ۱۹۷۰ رسید. ولی این رشد نکات منفی هم داشت. در حقیقت سیاست‌های شهری و صنعت-محور زنگ خطر را به صدا درآورد و به تبع آن اختلاف وسیعی بین زندگی شهری و روستایی به وجود آمد. مردم روستایی به‌طور فزاینده‌ای به مناطق شهری مهاجرت نمودند که این خود منجر به تمرکز نامتناسب جمعیت در شهرها گردید. در واقع،

کشاورزی تا اندازه‌ای در دهه ۱۹۶۰ فراموش شد. بر اثر نمودار شدن پیامدهای منفی این عدم تعادل توسعه شهری و روستایی، دولت مجبور شد تا توسعه جوامع روستایی را هم به موازات توسعه شهرها دنبال نماید^(۸).

در حقیقت جنبش سمائول آندونگ برای ایجاد تعادل و اصلاح برنامه‌های توسعه انجام گرفت. این نهضت در اوایل سال ۱۹۷۰ شروع گردید و در ابتداء هدفش فقط بخش کشاورزی و مدرن شدن روستاها بود، اما به زودی همه بخش‌های کشور را تحت تأثیر قرار داد^(۹). سمائول آندونگ را رئیس جمهور اسبق کره جنوبی (چونگ-پارک) جهت غلبه بر محرومیت دیرینه و ارتقای سطح زندگی مردم با عنوان «پیش به سوی زندگی بهتر» پایه‌گذاری کرد. رهنمود این جنبش آن است که نه فقط من، بلکه همسایه من، هم‌ولایتی من و نهایتاً تمام ملت باید زندگی خوبی داشته باشند. اصطلاح سمائول ترکیبی از کلمه «سه» (Sae) به معنی تازگی و درخشندگی و کلمه «مائول» (Maul) به مفهوم اجتماع یا جامعه محلی است. هدف سمائول آندونگ به‌طور خاص خود-ارتقایی و خود-اصلاحی است و به‌طور عام توسعه خانواده، روستا و جوامع مختلف در کشور است^(۱۰).

در آوریل ۱۹۷۰، رئیس جمهور کره جنوبی در دیدار با استانداران کشور، عقاید بلندپروازانه خود را جهت بازسازی اقتصادی روستاها اعلام کرد. در مباحث چونگ-پارک این باور تداعی می‌شد که تا هنگامی که حرکتی در جهت ایجاد زندگی بهتر برای روستاییان انجام نگیرد محرومیت روستاییان افزایش می‌یابد. دولت مرکزی به پیروی از سخنان رئیس جمهور یک پروژه پایلوت^(۱۱) تنظیم نمود که آن را سمائول آندونگ نامیدند^(۱۲).

همچنین باید در نظر داشت که جنبش سمائول سومین برنامه توسعه در سطح ملی است که از سال ۱۹۶۰ شروع گردید. گرچه برنامه‌های توسعه اول و دوم شکست خوردند ولی این جنبش به دلیل مشارکت فعال و وسیع مردم در حوزه توسعه روستایی و ملی در حد بالایی موفق بوده است^(۱۳).

فعال‌ترین زمان جنبش سمائول بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بود که در خلال آن درآمد روستاییان ۱۰/۵ برابر شد؛ درآمد روستاییان از ۲۸۴ دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۹۹۲ دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در همین زمان اختلاف میان درآمد شهرنشینان و روستاییان نیز به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. اما جنبش سمائول آندونگ از زمان درگذشت رئیس جمهور در سال ۱۹۷۹ افول کرد^(۱۴).

مشخصات کلی جنبش سمائول آندونگ

آقای پارک، روح و ایده سمائول را بدین‌صورت بیان می‌کند: «سمائول آندونگ تلاش ما برای بهبودی و نوسازی روستاهاست به گونه‌ای که توسط خودمان با روحیه خودباوری و استقلال انجام گیرد. دولت با عقیده و عزمی راسخ این نهضت ملی را آغاز کرده است و در نظر دارد که تمامی روستاهای کره به مکانی راحت و پررونق برای زندگی تبدیل شوند»^(۱۵).

در حقیقت علت وجودی سمائول آندونگ، ترغیب رشد اقتصادی متوازن و فرآیند توزیع عادلانه است. سمائول آندونگ تلاش برای ایجاد هماهنگی میان دو ارزش متضاد است. این جنبش با آنکه نیاز به مدرن شدن را می‌پذیرد اما در همان حال بر ارزشمندی سنت‌هایی تأکید دارد که طی گذشت زمان ماندگار شده‌اند. این مطلب دقیقاً در مفهوم سمائول مستتر است. سه به تغییر اشاره دارد و مائول به مفهوم جامعه سنتی است. گرچه چنین تلفیقی مبهم و پیچیده به نظر می‌آید، اما تجربه کره بر مبنای تلاش برای متوازن کردن و تلفیق این دو ارزش به ظاهر متضاد استوار است^(۱۶).

در حقیقت، ماهیت جنبش سمائول آندونگ بدین قرار است:

- ۱- انقلاب فکری مردم به‌منظور شکوفایی اندیشه و بسط نگرش‌ها و نظام‌های ارزشی؛
- ۲- جنبش توسعه اجتماعی به گونه‌ای که مردم بتوانند روستاها و جوامع بهتری را به‌وجود آورند و از زندگی مرفه‌تری بهره‌مند گردند؛

۳- برنامه توسعه اقتصادی که به پشتوانه آن روستاییان بهره‌وری کار و درآمد سرانه خود را افزایش دهند^(۱۷).

سمائول آندونگ بر مبنای سه ارزش اجتماعی بنیادین در جامعه کره دنبال می‌گردد: روحیه تلاش، خود-یاری و تعاون. روحیه تلاش به صداقت رهنمون می‌گردد و ارزشی است که اجازه تظاهر، نفاق، تکبر و افراط در تجملات را نمی‌دهد. مردمی که صادقانه تلاش کنند قادرند جامعه‌ای عادلانه بر مبنای اعتماد و عدالت اجتماعی ایجاد نمایند. یعنی جامعه‌ای عاری از فساد و بی‌نظمی^(۱۸).

سمائول آندونگ صرفاً جنبشی نظری نیست، بلکه حرکتی پویا و توأم با تلاش است. در حقیقت، محرومیت‌های دیرین کره را نمی‌توان صرفاً با ارائه نظریه‌ای خوب برطرف کرد. گرچه تاریخ گذشته کره بیانگر تمایل مردم به مفاهیم انتزاعی و نظری است تا فرهنگ عملی و کاربردی، اما مبنای نهضت سمانول این بود که چه باید کرد و چگونه می‌توان سطح زندگی کشاورزان را بهبود بخشید. اولویت بر عمل بود تا جدال بر سر حقانیت نظریه^(۱۹).

از مشخصه‌های دیگر جنبش سمانول، ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اداری است. سمانول آندونگ نخست تحت هدایت دولت و به صورت متمرکز آغاز گردید. در ابتداء فقط سازمان غیردولتی مستقلی وجود داشت و آن هم کمیته عمران روستایی بود، ولی به مرور زمان در سال‌های ۱۹۸۰ مسئولیت‌ها و اختیارات سمانول آندونگ «دولت-محور» به تدریج به عهده بخش خصوصی و غیردولتی نهاده شد و سازمان‌های سمانول آندونگ دولتی کوچک‌تر شدند. برعکس، سازمان‌های غیردولتی و خصوصی مرتبط دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دادند به نحوی که بعد از سال ۱۹۸۸، اصطلاح «سمائول» به ندرت شنیده می‌شد. در تجدید ساختار دولتی، بخش کمک به جنبش شهروندی، که قسمتی از دفتر دولت محلی در وزارت کشور بود، رشد قابل ملاحظه‌ای کرد^(۲۰). بخش دولتی در زمینه کمک و هدایت به‌طور روزافزون از سال ۱۹۹۰ به بعد از جنبش سمانول آندونگ فاصله گرفته است. فعالیت‌های جنبش عمدتاً توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد. توقف موقت کمک‌های مالی

دولت، تلاش بخش خصوصی را در راستای خود-اتکایی دوچندان کرد و واحدهای سمائول محلی بیش از سازمان‌های مرکزی مورد توجه قرار گرفت^(۲۱).

نتایج مهم جنبش سمائول آندونگ

ریشه سمائول آندونگ در این واقعیت نهفته است که دولت سعی کرد انرژی‌های عمومی را در مسیر تولید قرار دهد. نیاز شدیدی به ایجاد امید در مردم وجود داشت تا آنها از اختلاف، یأس و انگیزه پایین رهایی یابند. به علاوه، نیاز بود که جسارت و آگاهی بیشتری در مردم بدبین و ناامید ایجاد شود تا آنها بتوانند همراهی و همکاری گسترده‌تری با یکدیگر داشته باشند. نهضت سمائول بستر مناسبی بود که تا اندازه زیادی توانست انرژی‌های پراکنده مردم را وحدت بخشد و روحیه امید و جسارت را در آنها ایجاد نماید^(۲۲).

سمائول آندونگ که در سال ۱۹۷۰ متولد گردید، تا کنون پنج مرحله مختلف را طی نموده است. جنبش گاه با انتقاد شدید عمومی مواجه گردید و از عدم حمایت عمومی آسیب دید. با این همه، ارزیابی کلی از جنبش مثبت است چرا که مردم نقش و نفوذ غیرقابل انکار سمائول آندونگ را در توسعه و نوسازی کشور تأیید کرده‌اند^(۲۳).

سمائول آندونگ به‌طور مداوم طی چند مرحله تکامل یافت. این جنبش از آغاز تاکنون طی چند مرحله مشخص به تدریج مسیر توسعه را پیموده است که می‌توان آن را به پنج مرحله توسعه‌ای مشخص مطابق با جدول ۱ تقسیم کرد.

عموماً این موضوع را پذیرفته‌اند که مهم‌ترین تأثیر جنبش سمائول در بخش روستایی، تغییر نگرش روستاییان است. این تغییر نگرش به سوی ارتقای سطح خودیاری و خودباوری مردم در شعارهای «خود ما قادر به انجام آن هستیم» و «همه چیز امکان‌پذیر است» تجلی یافته است.

در این جنبش همچنین پروژه‌هایی برای از بین بردن بی‌اعتمادی بین مردم به اجرا درآمد. نیل به این هدف جز با برخورداری از مدیریت منصف و سیستم تشویق و

تنبیه





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مناسب امکان‌پذیر نبود. محیط کار جنبش سمائول شبیه به خانه بود و مدیران و کارکنان به مثابه اعضای یک خانواده با هم برخورد می‌کردند. این نوع روابط و همکاری بین کارکنان باعث تقویت حس اعتماد و اتحاد بین کارکنان شد^(۲۴).

در حقیقت، وجود همین سرمایه اجتماعی در بین کارکنان بود که موجب انگیزش برای توسعه گردید و گسترش آن را میان روستاییان نیز تسهیل نمود. یعنی نهضت سمائول موقعی توانست مشارکت را در بین مردم تسهیل و تقویت کند که خود اعضاء مشارکت را بین خودشان تمرین و عملی نمودند. قابل توجه است که از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸، ۲۳۰۰ استاد، ۸۰۰ کشیش و راهبه و ۶۰۰ روزنامه‌نگار و نویسنده در کلاس‌های یک هفته‌ای سمائول همراه با رهبران سمائول روستایی شرکت نمودند. در حقیقت تعامل فکری بین روشنفکران، کارگزاران دولتی و رهبران سمائول در روند گسترش نهضت بسیار تأثیرگذار بوده است. شرکت روشنفکران و کارگزاران دولت در دوره‌های سمائول باعث تشویق و ترغیب رهبران سمائول بود، به‌علاوه آنها پس از آگاهی از فعالیت‌های رهبران سمائول از حامیان اصلی گسترش این جنبش در سراسر کشور شدند^(۲۵).

از طرف دیگر، مشارکت رهبران محلی و ساکنین روستا در روند تصمیم‌گیری از همان ابتدای جنبش باعث گردید که از امکانات موجود به بهترین شکل برای بهبود و توسعه روستا استفاده شود. به‌علاوه فرآیند مشارکت مردمی و تشریک مساعی بین مردم و کارگزاران دولتی خود به دموکراسی محلی و ملی کمک قابل ملاحظه‌ای نمود^(۲۶).

یکی از مهم‌ترین تغییرات اجتماعی که توسط سمائول آندونگ زمینه‌سازی شد، بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان است. از آنجایی که سمائول آندونگ در مراحل اولیه بر بهبود شرایط زندگی روستاییان تأکید داشت و نهضت به اجرای پروژه‌هایی در زمینه حفر چاه و بهبود چاه‌های عمومی، ایجاد مکان رختشویی عمومی و ساخت توالت مبادرت ورزیده بود، عملاً زنان روستایی فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها مشارکت داشتند. این پروژه‌ها و طرح‌ها دقیقاً به زندگی زنان مرتبط بود،

به‌همین دلیل آنها انگیزه بیشتری برای فعالیت در آنها داشتند. همچنین جمع‌آوری بودجه‌های این پروژه‌ها عمدتاً بر عهده زنان روستایی بود. در نتیجه مشارکت زنان روستایی در این فعالیت‌ها، موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنان به تدریج تغییر قابل ملاحظه‌ای نمود^(۲۷).

از نتایج مهم دیگر این جنبش، کاهش اختلاف بین زندگی شهری و روستایی از نظر امکانات و درآمدها بود. کره تا حدود زیادی توانست در مدت کوتاهی بر این مشکل فائق آید. روند افزایش درآمد سرانه خانوارهای روستایی و شهری از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۷ مطابق جدول ۲ دلیلی بر این مدعاست.

جدول ۲- روند تغییرات درآمد سرانه خانوارهای روستایی و شهری

سال	سرانه خانوار روستایی به دلار	سرانه خانوار شهری (حقوق‌بگیر) به دلار
۱۹۷۰	۲۸۴	۴۲۳
۱۹۷۵	۹۷۰	۱۹۵۴
۱۹۸۰	۲۹۹۲	۳۵۶۱
۱۹۸۵	۶۳۷۳	۶۷۱۸
۱۹۹۰	۱۲۲۵۱	۱۲۵۷۸
۱۹۹۵	۲۴۲۲۶	۲۵۴۸۱
۱۹۹۶	۲۵۸۸۷	۲۸۷۰۷
۱۹۹۷	۲۶۰۹۸	۳۰۴۹۸

منبع: APO, 2002, p. 94

همچنین از نظر زیرساخت‌ها، مناطق روستایی کره از سال ۱۹۷۰ به بعد بهبود قابل ملاحظه‌ای داشته است. در جامعه‌ای که از مجموع ۲/۵ میلیون خانوار روستایی، تا سال ۱۹۷۰ تقریباً ۸۰٪ زیر سقف پوشال برنج زندگی می‌کردند، ۲۰٪ دارای برق بودند و ۳٪ خط تلفن داشتند، تا سال ۱۹۷۷ حدود ۹۸٪ دارای برق شدند، و در سال ۱۹۸۸ حدود ۸۹٪ دارای تلفن بودند^(۲۸).

از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ جاده‌های محلی و فرعی روستایی تا حدود ۴۳۶۳۱ کیلومتر گسترش یافت، تعداد پل‌های روستایی کوچک نیز ۷۰۰۰۰ با متوسط ۲ پل برای هر روستا بود، و همچنین ۲۴۰۰۰ حوضچه ذخیره آب کشاورزی در سراسر کشور ساخته شد^(۲۹).

در زمینه آب آشامیدنی هم که اغلب زنان روستایی بایستی وقت و انرژی زیادی صرف آوردن آن از چاه‌های سنتی اشتراکی دور از خانه می‌کردند، تغییرات قابل ملاحظه‌ای رخ داد. از موارد دیگر، ساخت سالن‌های روستایی بود که نقش مهمی در جنبش سمائول ایفا کرد. بیشتر نشست‌های روستاییان درباره پروژه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم در این مکان‌ها برگزار می‌شد. در واقع، ساخت سالن‌های روستایی کمک بزرگی به توسعه دموکراسی محلی در مناطق روستایی کرد. این سالن‌ها پس از هزاران سال، فرصتی را برای انجام فرآیند تصمیم‌گیری در اختیار مردم روستایی قرار داد^(۳۰).

از موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که دولت برای متوازن کردن درآمدها و امکانات و به حداقل رساندن تفاوت‌های میان شهر و روستا تلاش فراوانی کرده است. دولت در مدت کوتاهی تقریباً همان زیرساخت‌های شهری را برای روستاییان هم فراهم آورد.

بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت جنبش سمائول آندونگ

عوامل زیادی در موفقیت سمائول آندونگ دخیل هستند. چنان که قبلاً هم بیان شد، جنبش سمائول سومین برنامه توسعه در سطح ملی است که از سال ۱۹۶۰ شروع گردید. سمائول آندونگ عملاً درس‌های زیادی از تجربیات دو برنامه قبلی گرفته است. همچنین مبانی نظری سمائول آندونگ تا حد زیادی متأثر از درس‌ها و تجربیات موفق و ناموفق جنبش چهار اچ (4-H) یا عمران ملی در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است. البته سمائول آندونگ تلاش‌های عمیق‌تری کرد و پروژه‌های متنوع‌تری را برای عموم مردم در تمام کشور اجراء نمود^(۳۱).

موفقیت دیگر این جنبش، تلفیق مدرنیته و فرهنگ بومی است. همچنان که قبلاً گفته شد، سمائول آندونگ تلاش برای هماهنگی و تلفیق دو ارزش به ظاهر متضاد است. سمائول آندونگ با آنکه مدرن شدن را قبول داشت، برای سنت‌هایی که طی زمان در کره ماندگار شده بودند نیز ارزش قائل بود. در حقیقت، جنبش سمائول مدرنیته را در بستر فرهنگ بومی رشد و نمو داد، و این همان توسعه بومی و درونزاست.

عامل مهم دیگر، تلفیق نظریه و عمل است که در موفقیت جنبش نقش بسزایی داشته است. کارگزاران سمائول آندونگ سعی می‌کردند که با اجرای پایلوت و ارزشیابی آن، چرخه مداوم توسعه و اصلاح برنامه‌ها را طی پژوهشی عمل‌نگر (یعنی چرخه مداوم عمل-ارزشیابی-عمل) در حین اجراء و گسترش پروژه‌ها دنبال کنند. اولین پایلوتی را که در سال ۱۹۷۰ اجراء شد، سمائول آندونگ نامیدند. مطالعه و نتایج پروژه‌های پایلوت موتور انگیزه، انرژی و اشتیاق برای روستاییان و کارگزاران دولتی بود و در نهایت بستری مناسب را برای تقویت اعتمادبه‌نفس، امید و نگرش مثبت در قالب شعار «خود ما قادر به انجام آن هستیم» فراهم آورد.^(۳۲)

از سوی دیگر، مردم کارهای بنیادی و کوچک را شروع کردند. پروژه‌ها در ابتداء صرفاً از طریق تأمین مقداری سیمان و میل‌گرد آهنی توسط دولت برای روستاییان آغاز می‌شد. اما بررسی و انتخاب پروژه‌ها توسط خود روستاییان در یک فرآیند آموزشی و تمرین دموکراسی صورت می‌پذیرفت. روستاییان با مشاهده نتایج روشن و ملموس پروژه‌های خود، علاقه و اعتماد بیشتری به تداوم آنها و تلاش بیشتر پیدا می‌کردند، یعنی مردم با انجام پروژه‌های کوچک، برای انجام پروژه‌های بزرگ‌تر خود را باور کردند.^(۳۳)

از عوامل دیگر موفقیت جنبش سمائول می‌توان به فعالیت‌های آموزشی قبل و حین جنبش سمائول اشاره کرد. آموزش، یکی از مواردی است که قبل از جنبش سمائول روی آن سرمایه‌گذاری شده بود. کره در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ در امر آموزش عمومی سرمایه‌گذاری کرده بود. جنبه‌های توسعه فیزیکی در روستاها در

مرحله گذار از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ چندان تغییر نکرده بود، اما از نظر جنبه‌های توسعه انسانی توجه خاصی به آموزش شده بود. برای مثال، بیشتر پسران و دختران روستایی در سال ۱۹۶۰ دوره تحصیلات راهنمایی را به اتمام رسانده بودند. آرزوی قلبی والدین روستایی بعد از سال ۱۹۴۵ این بود که فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. به موازات این نیاز، دولت هم بودجه محدود خود را تا آنجا که میسر بود به آموزش ابتدایی و راهنمایی در مناطق روستایی اختصاص داد^(۳۴).

همچنین در خلال جنبش سمانول تأکید زیادی بر آموزش بزرگسالان و رهبران سمانول می‌شد. دوره‌های آموزشی یک هفته‌ای تحت عنوان آموزش سمانول به صورت فشرده برای روشنگری روستاییان برگزار شد. این دوره‌ها به تدریج گسترش یافت و صرفاً به روستاییان محدود نشد، بلکه همه اقشار از جمله کارگزاران، مدیران و حتی استادان دانشگاه‌ها را در بر گرفت، و در تغییر باورها، نگرش‌ها و الگوهای ارزشی کارآموزان بسیار مؤثر واقع شد. روش آموزش هم نه بر مبنای معلم‌محوری بلکه بر پایه ارتباطی دوسویه و مشارکتی استوار بود^(۳۵). به علاوه، دوره‌های آموزشی سمانول بیش از تدریس و انتقال اطلاعات و فناوری جدید، بر پرورش فکر فراگیران و تغییر نگرش آنها تأکید داشت^(۳۶).

عامل مهم دیگر، بدون شک، مشارکت فعال روستاییان در خلال دوران شکوفایی جنبش سمانول بوده است. نکته قابل توجه این است که مشارکت فقط به روستاییان محدود نمی‌شد، بلکه تمامی کارگزاران و مدیران دولتی نیز با جدیت در این فرآیند فعال بودند. در واقع، جنبش سمانول فضای ملی مناسبی برای مشارکت همه اقشار مردم فراهم آورد که در آن کارکنان دولت عملاً خود را در موفقیت جنبش سمانول متعهد می‌دیدند^(۳۷).

از میان عوامل مهم دیگر موفقیت جنبش می‌توان به عامل جنسیت اشاره کرد. مشارکت گسترده زنان در جنبش سمانول به چشم می‌خورد. هر روستا یک رهبر زن و یک رهبر مرد را برای فعالیت‌های جنبش انتخاب می‌کرد. البته رهبران زن در اوایل

بیشتر در زمینه بهبود زندگی و اقتصاد خانه فعال بودند، و غالباً در پروژه‌های پس‌انداز روستایی و تغییر سقف خانه‌ها نقش داشتند^(۳۸).

عامل مهم دیگر، نقش کلیدی رئیس جمهور در جریان نهضت است. حمایت و پشتیبانی رئیس جمهور از جنبش بسیار بارز بود. حمایت مستقیم او بر نهادها و سازمان‌های دولتی تأثیر زیادی می‌گذاشت. وی به‌طور مداوم از فعالیت‌ها و پروژه‌ها بازدید می‌کرد و با بررسی آنها هم توصیه‌های ارزشمندی ارائه می‌کرد و هم تلاش شرکت‌کنندگان را مورد تشویق و تأیید قرار می‌داد. حمایت و پیگیری رئیس جمهور باعث شده بود که کارگزاران دولتی مثل بقیه مردم خود را مسئول توسعه و انجام پروژه‌های سمائول بدانند. این حمایت عملاً همکاری و تعاون نزدیک بین وزارتخانه‌ها را در درون دولت تقویت کرده بود به گونه‌ای که همه به‌صورت گروهی واحد در راستای اهداف جنبش سمائول حرکت می‌کردند^(۳۹).

یکی از اقدامات مهم رئیس جمهور، حضور دائمی او در جلسات ماهانه‌ای بود که در آن جلسات علاوه بر مقامات عالی کشور، نمایندگان کشاورزان هم حضور داشتند. کشاورزان با ارائه تجربیات موفق خود، مورد تشویق و تأیید رئیس جمهور قرار می‌گرفتند. این جلسات برای مدت ۱۰ سال بدون وقفه تا هنگام مرگ رئیس جمهور ادامه یافت^(۴۰).

همگنی کشاورزان، عامل مهم دیگر در موفقیت سمائول بوده است. بعد از اصلاحات ارضی در سال‌های ۵۵-۱۹۵۰ که بر اصل «زمین مال زارع است» مبتنی بود، بیشتر کشاورزان در زمین زراعی خود مشغول فعالیت شدند. همگنی و سطح زندگی نسبتاً یکسان کشاورزان در زمینه اقتصادی-اجتماعی، عامل مهم و بستری مناسب برای تعاون و همکاری بین کشاورزان در فعالیت‌های پروژه‌های سمائول آندونگ به‌شمار می‌آمد^(۴۱).

یکی دیگر از عوامل مهمی که مورد توجه محققان قرار گرفته است، اجرای به موقع نهضت سمائول آندونگ بوده است. در واقع، نهضت موقعی شروع شد که قیمت زمین‌های کشاورزی و مزد کارگران روستایی بسیار پایین بود. هنوز صنعتی و شهری

شدن چندان بر قیمت زمین‌های کشاورزی تأثیر نگذاشته بود و مقدار زیادی از نیروی کار در روستاها وجود داشت. از طرف دیگر، وضعیت زیرساخت‌های روستایی با کمترین بودجه عمومی در زمانی کوتاه بهبود یافت. اگر نهضت به جای سال‌های دهه ۱۹۷۰ در سال‌های دهه ۱۹۸۰ شروع می‌شد، کمبود نیروی کار در روستاها و قیمت بالای زمین‌های کشاورزی دو مانع اساسی در اجرای پروژه‌های جنبش سمائول محسوب می‌شدند.^(۴۲)

آخرین اما مهم‌ترین عامل موفقیت به نظر نگارنده، شخصیت رهبران سمائول و روش‌های آموزشی آنها بوده است. رهبران سمائول توسط مردم همان روستا انتخاب می‌شدند و مهم‌تر اینکه یک رهبر زن و یک رهبر مرد در هر روستا وجود داشتند. آنها نسبت به مردم متعهد بودند و به‌صورت داوطلبانه مشغول فعالیت می‌شدند. آنها بین مردم و دولت رابطه محکمی ایجاد می‌کردند و از هر دو طرف نیز مورد حمایت قرار می‌گرفتند. بدین معنی که هم مورد پذیرش مردم و هم مورد قبول کارگزاران دولت بودند. به‌علاوه، آنها اختیارات کافی نیز داشتند و آموزش‌های مناسب را گذرانده بودند؛ آموزش آنها نه به‌صورت انتقال دانش بلکه به شکل آموزش تعاملی و تبادل تجربیات بین خودشان و کارشناسان دولتی انجام می‌گرفت. مهم‌تر اینکه علاقه، تعهد و خلاقیت آنها نقش مهمی در موفقیت نهضت و ایجاد نگرش مثبت «خود ما قادر به انجام آن هستیم» در بین روستاییان ایفا کرد.^(۴۳)

روش آموزش و کارآموزی رهبران سمائول نقش بسزایی در موفقیت نهضت داشته است. رهبران سمائول دوره‌های آموزشی یک یا دو هفته‌ای را می‌گذراندند که توسط مؤسسات آموزشی مستقل اجراء می‌شد. تأکید این دوره‌ها بر تغییر نگرش، افزایش تعهد به خدمت، فداکاری و الگو بودن برای دیگران بوده و در طی آن بیشتر به پرورش فکر و خلاقیت توجه می‌شد تا محتوای تکنیکی و فنی محض. اصول زیر عمدتاً در فعالیت‌های آموزشی جنبش سمائول آندونگ رعایت می‌شد.

۱- آموزش در اردوگاه‌های مشترک، جایی که رهبران سمائول و مربیان با هم زندگی و کار می‌کردند.

- ۲- آموزش کارآموزان بر مبنای فلسفه سمائول یعنی عملی و کاربردی کردن ایده‌ها
- ۳- آموزش تعاملی و مشارکتی از طریق بازگو کردن تجربیات و موارد موفق در خلال بحث‌های گروهی
- ۴- حمایت و مشاوره دائمی بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دوره‌های سمائول^(۴۴).

نتیجه‌گیری

کشور کره جنوبی تا قبل از دهه ۱۹۷۰ در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دهشتناکی قرار داشت و به‌خاطر درآمد ناچیز سرانه، به‌خصوص در خانوارهای روستایی، در زمره کشورهای عقب‌مانده محسوب می‌شد. در این زمان دولت به‌جای دامن زدن به احساسات ملی علیه ژاپن، سعی کرد راه همکاری و دوستی را در پیش گیرد، و از این طریق توانست از تجربیات و حمایت ژاپن در بازسازی کشور در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کند. کره در مدت کوتاهی تمام احساسات و تجربیات تلخ گذشته خود با ژاپن را به فراموشی سپرد و با این کشور وارد میدان رقابت منطقی شد.

سال ۱۹۷۰، نقطه عطف و شروع تحولی بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کره محسوب می‌شود. دهه ۱۹۷۰ کره توانست با انجام نهضتی فراگیر و توسعه‌ای همه‌جانبه تحت نام جنبش سمائول آندونگ توسط رئیس جمهور پارک-چونگ-هی که بعضی آن را معجزه دوم نامیده‌اند به نتایج مهمی برسد.

رهنمود اصلی جنبش ایجاد تحول در «من»، هم‌ولایتی من و نهایتاً تمام اقشار مملکت است. این نهضت بر اساس کوشش، خودیاری و تعاون استوار بوده است. در حقیقت عوامل زیادی در موفقیت این جنبش مؤثر بوده‌اند که تلفیق مدرنیته و فرهنگ بومی در کره از آن جمله است. مورد دیگر، بحث تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و اداری است. در واقع، آموزش و تغییر از خود کارگزاران و مدیران دولتی شروع شد. در رأس این هرم خود رئیس جمهور بود که با تعهد و قاطعیت از روند

تغییرات برای توسعه به طور جدی حمایت کرد. از عوامل مهم دیگر می‌توان به آموزش‌های عملی، کاربردی و مشارکتی سمائول اشاره نمود.

بر خلاف زمینه‌های فرهنگی موجود در کره که بیشتر بر نظریه و ذهنیت تکیه داشت، جنبش سمائول بر کارهای عملی و تلفیق نظریه و عمل استوار بود. سعی می‌شد به تولید جمعی دانش بیش از انتقال و ارائه یک‌طرفه دانش توسط کارشناسان اهمیت داده شود، همچنین در آموزش‌ها بیشتر بر آگاه‌سازی و تغییر نگرش تکیه می‌شد تا بر محتوای فنی و تکنیکی محض. نکته دیگری که بر آن تأکید می‌شد، مشارکت همه در تمام مراحل پروژه‌ها بود. مشارکت به مردان محدود نمی‌شد بلکه در درون روستاها رهبران سمائول زن همگام و همراه با رهبران سمائول مرد در برنامه‌ها مشارکت فعال داشتند.

از طرف دیگر، آموزش‌ها صرفاً برای «مردم» نبود بلکه مدیران، کارگزاران و حتی استادان همراه و همگام با رهبران سمائول در برنامه‌های آموزشی شرکت می‌نمودند. و این تعاملات فکری تبدیل به موتور محرکه گسترش نهضت شده بود. یادگیری و تغییر نگرش صرفاً برای روستاییان حاصل نشد بلکه هم‌زمان مدیران و کارگزاران را هم دربرگرفت. به طور خلاصه، روش‌های آموزشی رهبران سمائول و وجود رهبران سمائول زن و مرد در موفقیت جنبش اهمیت ویژه‌ای داشته است.

موضوع مهم دیگر، الگوی کره‌ای بودن جنبش است. درست است که نهضت سمائول از تجربیات دیگر کشورها و خصوصاً جنبش چهاراچ به‌خوبی بهره جست، ولی از همان ابتداء سعی شد که توسعه بر مبنای فرهنگ بومی کره دنبال شود و همچنان که گفته شد این موضوع دقیقاً در واژه سمائول به روشنی دیده می‌شود؛ این واژه تلفیق دو مفهوم سه به معنای تازگی و مائول به معنای اجتماع و محلی است. به سخن دیگر، تلفیق مدرنیته با سنت.

همچنین توسعه کره با کارهای کوچک و مطالعه و بررسی آنها آغاز شد و سپس در سطح ملی گسترش یافت. در حقیقت، خود سمائول نام اولین پروژه نمونه است که بر حسب اجراء و مطالعه آن، جنبش گسترش یافت. در انجام پروژه‌های نمونه هم

مردم آموزش می‌دیدند و هم فرآیند پرورشی اعتماد به نفس را طی می‌کردند. مهم‌تر اینکه آنها با انجام پروژه‌های نمونه و مطالعه آن به نقاط منفی و مثبت آن پی می‌بردند و در تعمیم پروژه‌ها کمتر با مشکل مواجه می‌شدند. به مرور زمان مردم و کارگزاران از موفقیت پروژه‌های کوچک انرژی و امید می‌گرفتند. موفقیت‌های کوچک پایه‌گذار موفقیت‌های بزرگ می‌شدند و مردم در نهایت به نگرش «خود ما قادر به انجام آن هستیم» رسیدند.

در تحلیل موفقیت توسعه روستایی کره می‌توان به بحث همگنی کشاورزان در کره هم اشاره کرد. همگنی اقتصادی و اجتماعی بستر مناسبی را برای تعاون و همکاری بیشتر بین کشاورزان فراهم آورد. به علاوه، نباید زمان مطلوب اجرای جنبش را هم فراموش کرد. نهضت در زمانی مناسب انجام گرفت. شرایطی که هنوز صنعتی و شهری شدن کره زندگی روستاییان را در ابعاد مختلف چندان تحت الشعاع قرار نداده بود. خیلی از محققان معتقدند که اگر نهضت به جای دهه ۷۰ در دهه ۸۰ شروع می‌شد شاید به چنین موفقیت‌هایی نمی‌رسید.

موفقیت جنبش سمائول در کره از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است که هر کدام نقش مهمی در توسعه این کشور داشته‌اند. بدیهی است که تمامی این شرایط و عناصر خصوصاً با در نظر گرفتن عنصر زمانی؛ در بقیه کشورها وجود ندارد، با این حال، مطالعه جنبش سمائول موارد مهمی را روشن می‌نماید که بسیاری از کشورها از جمله ایران می‌توانند از تجربیات آن در جهت توسعه خود بهره‌مند گردند. مطالعه تجربه توسعه روستایی کره می‌تواند حداقل این نگرش مثبت را در ما تقویت نماید که «خود ما قادر به انجام آن هستیم».

یادداشت‌ها

۱- از این پس هرگاه سخن از «کره» به میان آمد مقصود «کره جنوبی» است.

۲- مدنی، ۱۳۶۷، ص ۵۵

۴- مدنی، ۱۳۶۷، صص ۹ و ۱۰

5. Park, 2002, p. 73

۶- مدنی، ۱۳۶۷

7. Park, 2002, p. 80

8. NCSUMK, 1999, p. 12

9. NCSUMK, 1999, Introduction

۱۰- سمانول آندونگ، ۱۳۷۳، صص ۱ و ۲

11. pilot

12. Choe, 2003, p. 5

13. Choi, 1999, p. 2

14. Choi, 1999, pp. 3,4

15. NCSUMK, 1999, p. 6

16. NCSUMK, 1999, p. 6

17. Choi, 1999. p. 1

18. NCSUMK, 1999, p. 7

۱۹- سمانول آندونگ، ۱۳۷۳، ص ۶

20. NCSUMK, 1999, p. 41

21. NCSUMK, 1999, p. 44

22. NCSUMK, 1999, p. 10

23. NCSUMK, 1999, p. 20

24. NCSUMK, 1999, pp.25, 30

25. Park, 2002, p. 84

26. NCSUMK, 1999, p. 22

27. NCSUMK, 1999, p. 53

28. Park, 2002, p. 87

29. Park, 2002, p. 84
30. Park, 2002, pp. 85, 86
31. NCSUMK, 1999, p. 10
32. APO, 2002, pp. 93-94
33. Choi, 1999, p. 2
34. Park, 2002, p. 78
35. APO, 2002, pp. 95, 98
36. NCSUMK, 1999, p. 62
37. Choi, 1999, p. 4
38. Choi, 1999, p. 5
39. Park, 2002, p. 91; Choi, 1999, p. 4
40. NCSUMK, 1999, p. 57
41. Park, 2002, p. 91
42. Park, 2002, pp. 91, 92
43. NCSUMK, 1999, p. 31
44. NCSUMK, 1999, pp. 32, 33

منابع

- جوی، هیونگ‌سآپ (۱۳۶۷)، توسعه تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه. ترجمه احمد تدین، تهران: وزارت صنایع، معاونت آموزش و تحقیقات.
- سمائل آندونگ (۱۳۷۳)، آرمان‌ها و چشم‌انداز کره جنوبی. ترجمه داریوش تمدنی، تهران: وزارت جهادسازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۷۲)، سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، غنا، نیجریه و جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مدنی، امیر باقر (۱۳۶۷)، *استراتژی‌های توسعه اقتصادی: مقایسه روش‌های توسعه ایران با کره جنوبی*، تهران: انتشارات آذر

APO (2002), *Training Methods for Community Development*. Tokyo: APO.

Choe, C.S. (2003), "Multi-country study mission on rural life improvement for community development, Korea". *APO Seminar*. Republic of China: 29 Oct.-7 Nov.

Choi, S. H. (1999), "Effective factors of Saemaul training for the success of Saemaul movement". *Seminar on Training Methods for Integrated Local Community Development*. Republic of China: 7-18 Nov.

NCSUMK (1999), *Saemaul Undong in Korea*. Korea: NCSUMK.

Park, H.(2002), *Farmer's Participation in Rural Modernization: Korean Experience*. Tokyo: APO.